به پیشواز ۲۸ اسد استرداد استقلال کشور

اهمیت تاریخی استقلال کشور

هروی

استقلال یک مفهوم مدرن و یک پیش شرط تشکیل دولت های معاصر دارای حاکمیت است در اعصار و قرون مردمان مختلف مبارزات گونه گونی را علیه سلطه بیگانه گان به راه انداخته اند انگیزه های مختلف ممکن است موجب این امر شده باشد میتوان از بیگانه ستیزی که در جوامع بیرون نیز محسوس است تا جنگ های مقدس‌را که انگیزه ای مذهبی دارد عامل این مبارزات دانست دریک درک محتوای استقلال عبارت از حذف همه موانع است که بر سر راه انکشاف یک ملت قرار دارد یکی از دشوار ترین موانع سلطه سیاسی و نظامی بیگانگان است.

شاه امان الله و مشروطه خواهان پس از متارکه و امضای موافقتنامه راولپندی در ۱۸ اگست به استقلال سیاسی کشور دست یافتند و همین روز را (۸) اگست مطابق ۲۸ اسد روز استرداد استقلال کشور شناختند و تدریجاً توجه خویش را از موضوع استقلال به تغییرات سیاسی و اجتماعی معطوف نمودند ریفورم و استقلال دو اصل مهم مفکوره سیاسی امان الله خان و ملی گراها را تشکیل میداد. میتوان گفت که امان الله خود بانی واقعی ریفورم و اصلاحات اجتماعی سیاسی، اقتصادی و قضایی بود. اگر چه بعضی دستورنامه های دولتی و قسمتی از احکام شرعی قبل از زمان امان الله خان جمع بندی شده بودند ولی او در این کار از پیشینیان خود سبقت جست و قوانیی را که تغییرات و تحولات کشور را سرعت می بخشیده ترویج داد.

دوره زمامداری امان الله خان، در مقایسه با ۲۶۰ سال گذشته، دوره نسبتاً مهمی در تاریخ سیاسی افغانستان محسوب می شود، که آرمان ملت سازی مدرن را به عمل سیاسی پیوند می زند.

برابر استعماریون غارتگر که رشادت افغانها را بار دیگر در جنگ مشاهده کردند، وضع سیاسی و نظامی منطقه منجمله شناسایی استقلال افغانستان توسط عده ای از کشور ها را به نفع خود ندیدند، حاضر به متارکه و تصدیق استقلال کامل سیاسی افغانستان گردیدند.

به این ترتیب حماسه قیام رهایی بخش مردم افغانستان که در زمان خود از حوادث پراهمیت وبی نظیر در تاریخ آسیا، به شمار میرفت و منتج به حصول استقلال کامل سیاسی کشور گردید منبع الهام برای سایر کشور های تحت استعمار آسیا و افریقا گردید.

مهمترین پیامد این مبارزه رهایی بخش، بعد از حصول استقلال کامل سیاسی، افغانستان در دهه سوم قرن بیستم، تدوین و تصویب نخستین قانون اساسی و مدون افغانستان، به حیث یکی از دستاورد های ارزشمند تفکر مدرن و جامعه مدرن بوده، شاه امان الله، به کمک و همکاری تحول طلبان و دیگر جوانان افغان با طرح نظامنامه ها و اصلاحات اداری دولت کوشید که دولت را از چارچوب مطلقیت که میراث اسلاف اش بود، رهایی بخشد و برخرابه های نظام کهن و قبایلی، خانخانی، شالوده دولت عصری را پی ریزی کند و با گذاشتن گامهای اولی و ابتدایی به آن ماهیت قانونی و دموکراتیک بدهد.

چنانکه بعد از تشکیل کابینه به طرح نخستین قانون اساسی و نظامنامه های هفتاد و دوگانه پرداخت.

ریفورمهای دور امانی در افکار اصلاحی پیشوایان جنبش تجدد خواهی اسلامی که توسط نوگرایی مشهور محمود طرزی در صفحات سراج الاخبار نشر می شد، از جمله طرزی در توضیح مفکوره اسلام مترقی برای جهان همکاری نماید و بدین منظور باید پروگرام سریع اصلاحات را در عمل پیاده نماید در غیر آن نه تنها افغانستان از کشور های جهان عقب می ماند، بلکه آنچه را که برای بدست آوردن آن مبارزه نموده است، نیز از دست خواهد داد و نخواهد توانست جایگاه سیاسی مناسب در بین ملل آزاد و بین ملل متحد جهان حاصل نماید، برعکس کشورهای ترکیه، مصر وایران که زمینه تغییرات بوسیله ریفورمها در قرن ۱۹م، آماده شده بود، رویداد مدرنیزم در افغانستان دورهٔ امانی یک امر آنی بود. افغانستان به علت جنگهای داخلی و تهاجمات انگلیس در طول قرن ۱۹ از ترقی باز ماند و بر خلاف کشور هندوستان و مصر، که از استعمار انگلیس در پیشبرد برنامه های انکشافی مستفید شده بودند، تهاجمات منفی استعمار را متحمل شدند. تحمیل سیاست تحت الحمایگی انگلیس بر افغانستان در ۱۱۸۰م که روابط خارجی کشور تحت کنترول بریتانیا در آمد، راه آزاد کشور را با دنیای خارج مسدود نمود و افغانستان را به انزوای فرهنگی و اقتصادی مجبور ساخت با وجود تاسیس قدرت نیرومند مرکزی تحت رهبری امیر عبدالرحمن خان و تطبیق پروگرامهای معتدل اصلاحی در دورهٔ امیر حبیب الله خان، در اوایل قرن بیست، خاصتاً در ساحات اداری و تعلیمی هنوز زمینه برای تطبیق اصلاحات وسیع اجتماعی، شاه امان الله آماده نشده بود.

در پیامد سفر شاه امان الله خان تغییر دادن سریع سیمای قرون و سطایی افغانستان شدید تر شد. پروگرام انکشافی وی در این مرحله بیشتر بر اصلاحات اجتماعی و فرهنگی متمرکز گردید که پروژه های مهم انکشافی اقتصادی را نیز احتوا می نمود. در واقع طوریکه پولادا و دیگران توضیح داده اند، در مرحلهٔ اول پلان اجباری، نکاح صغیره و مجادله علیه تعدد ازدواج و حجاب را که همه از مسایل بسیار حساس برای مردم سنتی به شمار می رفت در بر می گرفت.

تغییر اصول خانواده و حجاب باعث برانگیختن احساسات شدید مذهبی گردید. مخالفت دولت های مصر و ایران با ظاهر شدن بدون حجاب ملکه ثریا در جوامع قاهره و تهران خود نشانهٔ سیاست محتاط کارانهٔ رژیم های حاکم وقت در مورد حجاب در سالهای ۱۹۲۰م می باشد.در پهلوی موقف رژیم در مسایل مربوط به زن ریفورمهای سال ۱۹۲۸م از قبیل تغییر روز رخصتی از جمعه به پنجشنبه، پوشانیدن کلاه و دریشی در پایتخت، بدگمانی طبقات روحانی را مبنی بر اینکه رژیم در نظر دارد که فرهنگ و ثقافت اسلامی را از بین برده و فرهنگ غیر اسلامی را جانشین آن سازد، بیشتر ساخت، همان شد که روحانیون مداخله دولت را در مسایل مربوط به حجاب با سیاست غربی خاتمه یافت.

با اینکه امان الله خان قادر نشد که موازنه بین نیروهای ناهمگون سیاسی را در افغانستان برای پیشبرد اهدافش تأمین نماید، اصلاحات وی از برازندگی سیاسی خاصی برخوردار بود. اکثر اصلاحات او در زمینه های مختلف پس از دوره اغتشاش پا برجا ماند. شاه امان الله، خان کشور را از انزوا بیرون و دروازه های کشور را به روی دنیای خارج باز کرد. دستگاه اداری را تنظیم و اقتصاد افغانستان را از نو اعمار نمود. قشر تحصیل کرده را که در سالهای بعد نقش مهمی در انکشاف آینده کشور داشتند، به میان آورد. گرچه تلاش های شاه امان الله خان، در قسمت حقوق زن به ظاهر به شکست انجامید، ولی تأثیرات مطلوبی بر وضع زنان افغانستان برجا گذاشت و زمینه را برای تحصیل زنان به درجات بالایی و نهضت زن در سالهای بعد آماده ساخت.

میتوان گفت به استثنای قانون جزاء قانون شغل، پیشه و نظام حقوق را بدعت نهاد.

- سلطنت مطلقه ای مبتنی بر الوهیت شاهان را تا حدودی به چالش کشاند.

- حضور موثر یک تعداد عناصر روشن اندیش، چون محمود طرزی و محمدولی خان دروازی در مقام وزارت خارجه آشوب ها و طغیان های اجتماعی به رهبری متنفذین قومی، رهبران سنتی، مذهبی، رقبا و مخالفان سیاسی، فرصتی را که شاه، برای تحقق آرمان های نوگرایانه در داخل کشور و بسط توسعه روابط خارجی در سر داشت، محدود ساخت و بدین وسیله وی مجال نیافت که با تحکیم پایه های قدرت سیاسی خویش افغانستان را در عرصه داخلی و خارجی به عنوان یک کشور متقدر و مدرن تبارز دهد. با وجود آن در دوره ای زمامداریش پدیده ای بنام سیاست خارجی به صفت یک عرصه مستقل در سیستم دولت داری تکوین یافت. اما به گفته اقبال لاهوری،آن قدح بشکست و آن ساقی نماند.

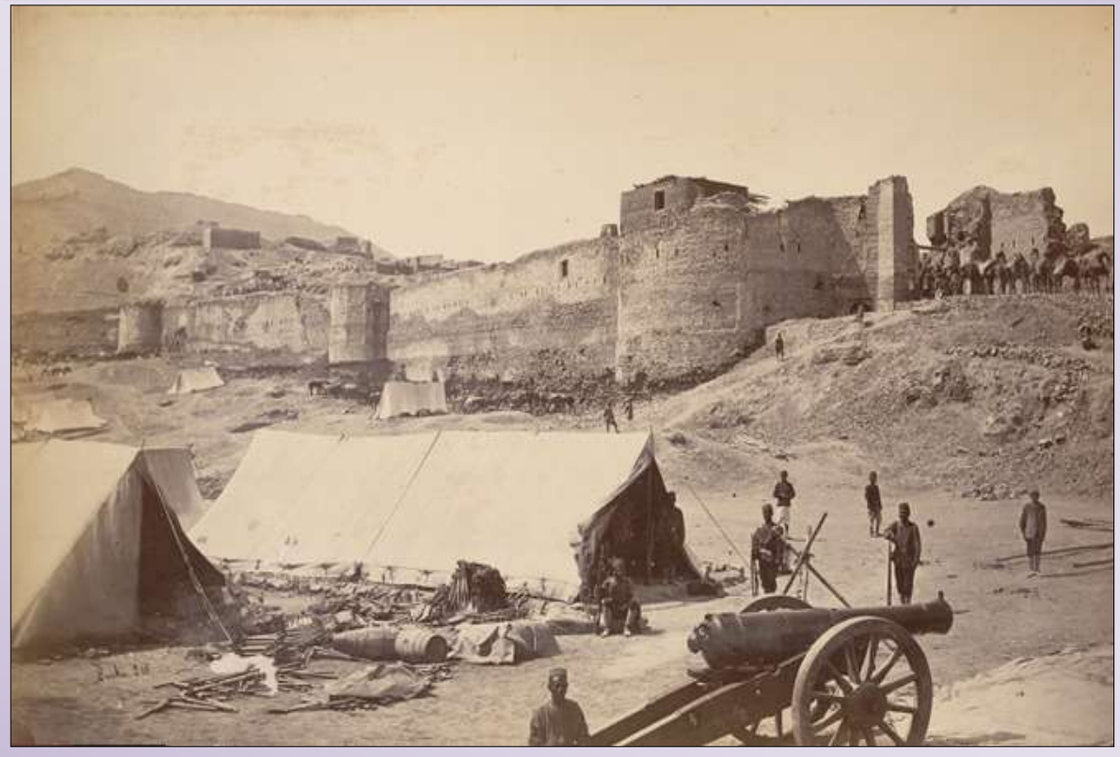

شاه امان‌الله خان، هرچند موارث، یک سلسله ای استبداد بود، اما به عنوان یک عنصر ترقیخواه، تفکر ترقیخواهانه و تجدد طلبانه را در هرم نظام طبقاتی و تباری و در جامعه به شدت عقب مانده به آزمایش گرفت، هر چند دوره شاه امان الله خان، کوتاه بود، مگر در این مدت دستاورد های امان الله خان، پس از جلوس به تخت سلطنت توجهات بیشتری به خواسته های عمومی مبذول داشت و با توجه به اینکه مردم در تحت یوغ اسارت قدرتمندان شده بودند به موج فزایندهٔ افکار عمومی افغانها تسلیم گردید. ادعای وی که نماینده مردم و پادشاهی است که از بین اقشار مردم و برای برآورده ساختن آرمانهای هموطنانش برخاسته است. موجب رنجش و انزجار اشراف و نجیبا را بار آورد.

شاه امان الله، در روزیکه تاج شاهی را برسر می نهاد، اعلامیهٔ را به نشر رساند که بازگوی مشخصه ملی افغانها، واقعیت های جامعه افغانی وضع داخلی و تمنیات مردم افغانستان و شرایط مساعد ملی و بین المللی بود این اعلامیه که با شعار به موقع و پرمحتوای خود، حیثیت اعلان جهاد را داشت و به خواست ملت مطابقت میکرد، مورد حمایت فعال، پرشور، شجاعانه و قهرمانانه و گسترده اقشار و ملیت های افغانستان قرار گرفت و درنتیجه قیام مسلحانه ملی و جنگ رویا رویی ۳ می تا ۳ جون ۱۹۱۹ م افغانها در پیشبرد پروسهٔ ملت سازی در افغانستان نقش فعالی به عهده داشت.

طرزی با چنین فرایند فرهنگی در جهت بسط مدنیت جدید می کوشید، تا مدرنیته و درنیزاسیون را با ارزش های دینی و فرهنگی جامعه سازگار نموده و بر پایه و شالودهٔ اساسی استوار نماید.

یعنی با توسعه فرهنگی به سمت توسعهٔ سیاسی حرکت نماید و سراج الاخبار را چراغ راه مبارزه با استعمار، استبداد و خرافات سازد و جنبش مشروعیت را تا بلندای پیروزی رهبری نماید.

حصول استقلال سیاسی که اصل و اساس اهداف مشروطه خواهان و مرز و منافع ملی را از آرمان به واقعیت مبدل کرد. توانست در پرتو حاکمیت ملی اصلاحات را در راستای بسط مدنیت جدید آغاز نماید.

از آنجاییکه سیاست خارجی، راهبرد منافع ملی است، معرفی سیاسی افغانستان به جهانیان و ایجاد روابط متقابل و متعادل سیاسی با کشور های جهان، محوری ترین اهداف سیاست خارجی افغانستان در آن برهه بود.

بدون تردید نیل به این هدف در فضای بین المللی آن روزگار، کارسهل و آسانی نبوده است. امان الله خان، به این مفکوره بود که افغانستان به عنوان یک کشور مستقل بتواند با های اصلاحی دوره امانی، قدمهای بسیار برازنده در جهت انکشاف اقتصادی برداشته شد و در مرحلهٔ دوم نیز پروژه های مهم اقتصادی در حال تکامل بود، در نتیجه توسعه تجارت داخلی و خارجی و تلاش های جدی دولت برای جلب سرمایه گذاری و کمک های تخنیکی خارجی اقتصادی کشور، بطور قابل ملاحظهٔ ارتقا نمود.

در جریان سفر اروپا، شاه امان الله خان با انعقاد چندین قرارداد تجارتی برای جلب سرمایه گذاری خارجی موفق گردید و ماشین آلات زیادی برای پروژه های صنعتی کشور خریداری کرد، اما هیچکدام از این ها ثمرهٔ فوری برای نفوس کشور به خصوص روستاها که بارگران ریفورم و مالیات را بدوش داشتند، بار نیاورد و نارضایتی های عمومی به موازات با فساد اداری شدیدتر گردید به رهبران مذهبی موقع داد که حمایت کتله های عظیم مردم به خصوص مردم روستایی را در راه مخالفت با رژیم امانی بیشتر سازد.

اقدامات و عملکرد های اخیر حکومت که به موقف اجتماعی و حقوق زن مرتبط میگردد نقطه عطف اغتشاش گردید. سیاست شاه امان‌الله‌خان در زمینه موقف و حقوق زن با اهداف وسیع ترملت سازی وی مرتبط می شد و موضوعات چون مکتب دخترانه، الغای ازدواج گرایی رژیم توام نموده و از آن به حیث حربه ای کشنده به مقابل دولت امانی استفاده کردند.

گرچه طبقات روحانی، در ایجاد شورش ها و برانگیختن احساسات مذهبی برضد رژیم نقش اساسی را ایفا کردند، ولی نتوانستند پیامد و نتایج آنرا پیش بینی نمایند. گفتنی است که قیام دهه ۱۹۲۰ م در افغانستان فاقد ایدیولوژی و تمهید مشخص برای رسانیدن روحانیون به قدرت سیاسی بود. شورشهایی که از طرف روحانیون حمایت میشدند، بوسیله دو قدرت متخاصم یعنی غلزایی ها و شینواری ها، از طرف جنوب و حبیب الله کلکانی از طرف شمال که هیچکدام به قبولی طرف دیگر حاضر نبودند، رهبری می گردیدند. با اینکه رهبران اغتشاش به سقوط رژیم شاه امان الله خان، موفق گردیدند، ولی نتوانستند که اساس محکمی برای مشروعیت رهبری طبقه روحانی و یا رهبری سیاسی مردم فراهم نمایند، تا اینکه در اوضاع و احوال آشفته حال افغانستان محمد نادرخان در پیامد یک اغتشاش بقدرت رسید که هدف سیاسی او در بدو سلطنتش عبارت بود از: همکاری نزدیک با علما و اخراج دایمی امان الله خان از صحنه سیاسی افغانستان. شورش و اغتشاش ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹م که از افکار روحانیون الهام گرفته بود. بالآخره با اعلان رسمی خلع امان الله خان از سلطنت افغانستان در لویه جرگه سال ۱۹۳۱م، ازدواج و بعضی مواد قانون اساسی سال ۱۹۲۳م که مجموعاً نقطه مناقشهٔ جناح مخالف در مقابل رژیم امانی بود، اکثر نظامنامه های دوره امانی، به شمول آنهایی که به خدمت عسکری و گرفتن تذکره مربوط بودند، مجدداً با تغییرات اندک تحت عنوان اصولنامه توسط رژیم های بعدی رویکار شدند.

نتیجتاً دوران زمامداری شاه امان الله خان با آنکه در تاریخ معاصر افغانستان کوتاه بود اما دستاوردهای ویژه را در روند ملت سازی نوین به یادگار ماند.

- با کسب استقلال سیاسی افغانستان این کشور را به عنوان یک واحد مستقل، دولت مستقل افغانستان در عرصه روابط بین المللی تبارز داد.
- با طرح آیده و اندیشه نوگرایی در حوزه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در صدد ایجاد جامعه مدرن سیاسی برآمد.
- با تدوین نخستین قانون اساسی، به تعریف و ترویج آزادی های اساسی و حقوق شهروندی اتباع پرداخته و نظام سیاسی را مقید بر مشروطیت نمود.
- با کسب استقلال سیاسی، نخستین دیپلوماسی مدرن و در روابط بین المللی مستقل و نسبتاً فعال را پایه گذاری نمود.
- غیر روحانی ساختن نظامی اداری،

تفاوت اساسی میان دوران زمامداری شاه امان الله خان، برای مدرنیزه کردن با تلاش های پسین تا امروز، در این نهفته بودکه اصلاح طلبان امانی پیروزمندان یک جنگ ضد استعماری بودند. سیاست ضداستعماری و تلاش برای اصلاحات و تجدد با آهنگ پرشتاب همراه بود، با لهیب سوزان عشق اعلیحضرت برای بیرون رفت از دهلیزخم اندرخم عقب ماندگی این سال های آبستن از امید با مقاومت بزرگان قدرت سنتی و استعمار انگلیس روبه رو گردید و بدین ترتیب یکی از درخشان ترین دوران تاریخ کشورما با غلبه ای شورشیان و دست نشانده های استعمار به شکست انجامید. با سقوط دولت امانی و شکست اصلاحات، نبوغ و آزادگی و خرد گرایی، اصلاح طلبان و روشنفکران مغلوب جهل تاریخ و استعمار گردید.

فصل سیاه اعدام ها و تبعید ها آغاز شد پادشاه ترقی خواه در غربت دیده از جهان بست، محمود طرزی در غربت و انزوا از جهان درگذشت، محمد ولی خان، با گردن افراشته حلاج وار به فتح دار رفت. عبدالرحمن لودین اعدام شد. برادران چرخی اعدام شدند و ... و بر این دژ کهن سال کارزاری از اعدام بزن و ببند به زنجیر کشیدن یکبار دیگر استیلا یافت.■

د جګړې د پراخوالي دمخنیوي له پاره د ګړندي ګامونو پورته کول اړین دي

ع – متین

چې وګړوکې چه بیزورسنو خپله پلارنه د لریکلدمخه ایلانوجمهور رئیس هغه ستراتیژي ته راوځي چې په افغانستان کې د روڼې جګړې په هکله به یې اعلان کې دیې شوکې مخپلوخوکدونو پهلا زموږ په هېواد کې جګړې مخونیز هوله لله پې تمه دې چې د لریکاوې چارواکې به دنیوجګړیزو کلونوهنبو او نابو شته زیاته تجربه ولاله کې ي

پراخیې او لنیتې کولبرونې پراختیاوې نوتمه کیې چې زوله توله زموږ په هېواد کې جګړودنلوړ نلوبنونو په لیدو موجې تولنه پاتې نه شي او په وراتې پې د انسانې خواخوږې له مخې خپله پلارنه راوځي او په هغو پاشوې پلې وکې چې جګړه کې خوانه ویاې او د پراختیاله پاچې وسه والې پلې هنبونوچاوورسنه چې لیلې کې وګړې بهوې چې د کمپنو په رالبرنه تیکار کې او ګنې بیاخنوولاروپه لنوې وختې غوره بهوې چې مخپې له مخې پیکې توره ئې او په عملي کیدوکې پې هیڅ ډول جګړوهڅوخته دریغ ونه شي ګکه چې هوولوالودوبوجې زغم کله ډکه شي او دوبوجې حلات دمخنیوې له پاره د انسانې خواخوږې له مخې ګړندي او عملي ګامونه پورته کیدوته هیله

کیداي شي چې په نوي ستراتیژي
کې د نیمګړتیاو درغاوني په هکله
داسې څه ور زیات شي چې روانه
جګړه دهري ورځې زیانیدونکي
غمیزې څخه دسوکالي په لور روانه
کړي او پدې وتوانیږي چې زموږ
مظلوم او دجګړې دناخوالو څخه
زوریدونکي هېوادوال دتل له پاره
وژغورل شي او هغه څه ته
مخونیوې لازهواره کې چې

په تیروشو کلونوکې ولاړه شوې
ده داخبره اړینه او لازمنت ناکه
دهغې جګړې دپاخولې او
مخولې دمخنیوې چې پکښې
راوړنه تقلیل شي نومخالف وسله
والې ډلې زموږ هستراتیژیکو ملکرو
څخه دیدوتکو وژمنو اودروانې
جګړې په وړاندې دتل لاچیاو په
څېر کنه بدې سبب شي چې
دمخالفو ځې نوې هم ګړندې

او پواختیاوې ځکه چې پوځي
کارپوهان پدې پوهېږي چې
هېڅ په ډېره څېر کښې او
هوښیار سرد جګړې تل
اړخونه څرګې اوهغې شي
څنه که پرته کې چې لاس ته
راوړنې وطنې ددیوخت
راهیسې چې په لوېکا کې نوې
واکمنې واکې ولاړه کې د
افغانستان دپوځي ملوریت په

هکله دلې دلې څوګندونې
اوپدل کېږي کله هسې تېرود
زیانوالې خبرې خوېږي او کله بیا
هستراتیژ تمامیدو پورې
چې څنډنې بوې هوغه څه
چې هولوالو ته دپام
وړاړوپتوب لې دروانې
خوړې جګړې په وړاندې چګکو
اوخوشو پېکړوعملي کېدل هې
څه څه هغه ګرده وې چې او

وباندې بل ې زموږ خلک
جګړې په تې کې ژوند کې
هې وړې په تېرو سره مکرل
هېڅ جګړې پاخه ې اوهېڅ
دلې غوښتلې او انسانې عمل
څنه درې ه کې کله دې ګنه
ملکې خلکو په ډېره بیزوړنه لاس
بې کې او کله په جوماتونو
کې بوخېږمو ګړوبله رامنځ ته
کې چې له اله بې دوبو امن

لوېکا دمتحده ایالاتو مسلح
چلوالې په روانه جګړې کې را
پداشې سکوت هلت کې او په
کړنې ولاړه شي نوکه په هغو عملي لارو
چلو کارلې کې چې جګړې
غلپې اوجمالې کېدو په
مخنیو کې بې لاس ته راوړنې
وای بلې یو که پلاونه په
همې توګه ې چې ځینې
چلوالې په شخصي امنیتي

ون ې خوونتوانې په هېواد
کې د دروانې جګړې دواخیدونکو
لارو په مخنیو کې بې لاس ته
راوړنې ولاړه شي اوجګړې د
راوګیدو اوزوېدو ځای ګرځي
نه هغه وو توګه جګړې مارو
ملاتې پدې وړه وې چې
دتوګرودتوبل اوتجهیز څخه
لاس واخلي او نو په سیمه کې
جګړې اوزه لاس وه وې ■